**هم این خطا بود، هم آن**

**عامری، علی محمد**

سرمقالهء هفتگی نامهء«آبزرور»،هواخواه حزب محافظه‏کار انگلیس‏ شمارهء سوم اوت 1958 ترجمهء ع.م.عامری

مداخلهء انگلیس و امریکا در اردن و لبنان با مداخلهء فرانسه و انگلیس در سوئز از بسیاری‏ جهات متفاوت است.این مداخله دست کم سیمای حقانیت دارد.منصفانه،نمی‏توان آن را دست درازی(1) نام نهاد.اگرچه این مداخله پروانهء سازمان ملل ندارد اما جنبهء مخالفت علنی با سازمان هم از آن‏ مشهود نمیگردد.تا به حال انگلیس و امریکا مجبور نشده‏اند که برای ورود به مقصد خون بریزند. با همهء اینها،این اقدام،مانن جنگ سوئز،اقداماتی بود ناهنجار و راه تسویهء مناقشات با تازیان‏ را آن‏سان که متضمن منافع و حقوق ما باشد فرسنگها دورتر ساخت.مختصر،پیاده کردن سپاه‏ مانند جنگ سوئز امری بود نامدیرانه،خطرناک،بیهوده.

از میان خطرها آن راهی که خطرش کمتر می‏نمود برگزیده شد.طغیان عراقیان سیاست‏ غرب را در خاورمیانه،یکسره،ناچیز ساخت.هر چند دلیلی محکم برای اثبات قول خویش نداریم‏ با وجود این احتمال میرفت که به دنبال طغیان عراق حکومت شمعون در لبنان و سلطان حسین در اردن‏ و کشورهای صغیر قیم‏دار(2)کناره‏های خلیج فارس واژگون گردد.طغیان عراق،جنگ خانگی‏ لبنان و تزلزل اوضاع اردن همه زادهء سیاست بی‏مایهء غربیان بود که تکیه بر آب کردند و به حکومتهایی‏ مستظهر گشتند که بهیچوجه از نعمت پشتیبانی اهالی کشور برخودار نبودند و فقط در سایهء سر نیزه‏ بر جایگاه خویش لم زده بودند(3).قومیت خواهی تازیان در مصر،سوریه،عراق و یمن پیروز شده است در صورتی که غرب لرز لرزان خود را به لبنان و اردن،که در دنیای عرب حکم زینب‏ ستمکش دارند،چسبانده است.

اردن،کارش دشوارتر است و بستگی به امری دیگر دارد.بیش از آنکه به اهالی اردن‏ اجازه داده شود که در تعیین وضع آت خویش تصمیم بگیرند بر غریبان واجب است که برای تعیین‏ مرز اسرائیل و اردن راهی بیابند.این وظیفه هم به وسیلهء توسعهء قدرت قانونی«مراقبان و ناظران» سازمان ملل که اکنون در شبه جزیرهء سینا هستند میسر میشود.فعلا شاید اردن باز از عراق جدا 1- Aggression

2- Protectorates

3-( Jellico )در ضمن نطق‏ خویش در مجلس اعیان انگلیس شیوهء حکومت نوری سعید را مبلغی ستود،سپس گفت: «اما سه چهارم افکار سیاسی مردمان عراق مخالف حکومت وی بود»(منچستر گاردین،چاپ‏ انگلیس،شمارهء هفتم اوت 1958).

نوری سعید ده هزار مقصر سیاسی در بند داشت.اندکی پیش از«رحلت»27 افسر و و کارمند اداری را بدون محاکمه به دار آویخت( New Statesman )،چاپ انگلیس،شمارهء 19 27 ژویه 1958،نیز پیک ایران،شمارهء نهم مرداد 1337).

بماند و این کار قدمی است به قهقرا.مع ذلک این اقدام به دو منظور باید صورت گیرد.یکی اینکه‏ از دگرگون ساختن طغیان عراق،به قوهء قهریه،پیشگیری شود دیگر اینکه اسرائیل اطمینان‏ حاصل کند که فعلا خطری متوجه او نیست.اما انگلیسها نباید آنقدر در اردن بمانند که باز بغض‏ اهالی را برانگیزند و هنگام توقف در اردن باید بکوشند که حکومتی برقرار گردد که بیش از حکومت‏ جدیدی که سلطان حسین نصب کرده(1)موافق رای اهالی کشور باشد.چه بهتر که این کار هم به‏ مأموران سازمان ملل واگذار شود.

اما کار اساسی اقدامات وسیع‏تر میخواهد.تا زانی که تا زیان غریبان را دشمن وحدت و سعادت‏ خویش می‏پندارند درین منطقه صلح حکومت نخواهد کرد.دولت انگلیس و امریکا،پیش از آنکه‏ کار از بد بدتر شود،باید رسما اعلام دهند که نه فقط مخالف وحدت عرب نخواهند بود بلکه درین‏ امر به آنان یاری خواهند داد مشروط بر اینکه وحدت از راه مذاکرهء بین دولتهای عرب،آزادانه، صورت گیرد.دیگر اینکه اتحادیه باید بی‏طرفی لبنان را محترم و وجود کشور اسرائیل را محقق‏ بشمارد.این اقدام مقدمهء کار است.کسب اعتماد مجدد تازیان امری است بس دشوار و زمان‏گیر. یک راه حصول مقصود این است که به هر یک از کشورهای عرب،حتی جمهوری متحده،مجددا به‏ میزان تعهدی که راجع به سدّ اسوان کردیم کمک اقتصادی کنیم.نکول بیموقع این کمک بود که‏ منجر به جنگ سوئز و حوادث مصیب‏آور پیاپی بعد شد و امریکا را در خاور میانه بی‏یار و یاور ساخت و انگلیس را به جانب عمان،که مشتی خاک بیش نیست روانه داشت(2).

ما غریبان باز به کاری گزافه دست یازیده‏ایم و به یاری کسانی برخاسته‏ایم که سرانجام در بازی‏ سیاست مات خواهند شد.چرا چنین کاری کرده‏ایم؟قومیت‏خواهی که عیب نیست منتهی گاهی راه‏ حصول آن فتنه‏خیز است.

کشت و کشتار و زیر زبر کردن هیأت حاکمه،بد،اما در کشوری که انتخابات آزاد نیست دولتی‏ منفور را،جز به قهر و غلبه،چگونه می‏توان برانداخت.حدود و شرایطی را که غربیان،صرف، به جهت آسایش خویش قایل شده‏اند برای مردمان آن مرز و بوم پوچ و بی‏معنی است.تا زیان،چون‏ قیام کنندگان ایتالیا در راه کسب وحدت،عزت و حرمت و زندگی«آدم‏وار»میجوشند.اگر رئیس‏ «ناصر»به چشم محافظه کاران انگلیس،هیتلر و به چشم جمهوریخواهان امریکا،استالین می‏آید، 1-مخمر آسیایی«آبزرور»،هوادار حزب محافظه کار انگلیس،شمارهء 3 اوت 1958،می‏نویسد:

«گمان میرود که در انگلیس کسی تردید داشته باشد که مقام سلطان حسین سخت لرزان است. در شورای پیمان بغداد یکی از سر جنبانان انگلیس چنین اظهار نظر کرد«اگر قرار شد سپاه انگلیس‏ اردن را رها کند باید سلطان حسین را،در پناه خویش،همراه ببرد.»باز مخبری به نام سیریل ری‏ ( Cyril Ray )در همان روز نامه و همان شماره چنین می‏نگارد:«در باب مدت حکومت سلطان حسین‏ پس از بازگشت سیاه انگلیس از اردن،با سفیران و صاحب منصبان مذاکره کرده‏ام.همه متفقند بر اینکه دوام او از پنج دقیقه تا شش ماه بیش نخواهد بود.»

2-مخارج سپاه انگلیس در اردن،از سیر تا پیاز،به عهدهء امریکا است،نقل به معنی از«آبزرور»، شمارهء 3 اوت 1958.

در دیدهء تازیان جای گاریبالدی(1)دارد.پس از جنگ دوم فرصت بسیار مناسبی داشتیم که با جهاد و میل تازیان کنار آییم.هنگامی که انگلیس منطقهء گذارهء سوئز را[به اصرار امریکا]رها کرد باز هم‏ اوضاع،سخت اقتضای مصالحه میکرد.بعد از جنگ سوئز هم محیط بسیار مساعد بود.همه این فرصاتها را پشت پای زدیم.حال زیان آمده و کار از کار گذشته است و باری دیگر غرب به صورت دشمن قومیت‏ تازیان علم گشته و روس این بار هم به لباس دوس غمخوار درآمده است.مداخلهء در لبنان و اردن کار را بدتر کرده است.مداخله بجا می‏بود اگر مانند ایدن(هنگامی که به سوئز حمله برد)مصمم بودیم‏ که«امل جمال عبد الناصری»را نخست از عراق،سپس از سوریه و دست آخر از مصر براندازیم. خوشبختانه ملک میلن آشکارا قول داده است که عزم غلبهء بر عراق ندارد.اگر دولت بارها خلاف قول‏ خویش عمل نکرده بود دلیلی نداشت که قول او را باور نداریم.به هر حال هر گونه تزلزلی بدین قول‏ راه یابد نه تنها بنای اعتماد اهل کشور نسبت به حکومت خلل‏پذیر خواهد شد بلکه در راه ایجاد یک‏ سیاستی که با واقعیات سازگار باشد مانعی بزرگ پدید خواهد آمد.

هر شخص هوشمندی اکنون باید در اندیشهء سیاست مصالحه باشد.در نهایت سر افکندگی باید بگوییم از زمان جنگ سوئز ببعد حزب کارگر محافظه کار هر دو از اجزای اصل سازگاری غفلت‏ ورزیده‏اند.سپاه انگلیس و امریکا در اردن و لبنان مستقر شده‏اند.دشواری واقعی این است که‏ چه‏سان این دو سپاه را از آن دو کشور بیرون بریم که زیانی به منافع ما وارد نگردد و هیأت حاکمه‏ای‏ را که در معرض بغض اهالی کشور آورده‏ایم از آسیب محفوظ ماند.

کار لبنان چندان صعب نمی‏نماید.آیزنهاور،به صراحت،گفته که سپاه آمریکا ماندنی است‏ تا سازمان ملل اقدامی کند که خاک آن کشور از«بلا»دور ماند.امیدواریم که سازمان ملل،با همهء بی‏اعتنائیها،تخفیفها،و سرزنشها که دیده موافقت نماید سپاهی بین الملل فراهم آید و بدان سرزمین‏ روانه شود یا بر شمارهء«مراقبان و ناظران»افزوده گردد.مدت زمانی پس از استقرار چنین گروهی‏ تشکیل مجلسی جدید با رعایت اصل انتخابات آزاد مشکل نخواهد بود.مجلس باید رئیس جمهوری‏ که مقبول اکثریت باشد برگزیند.

1- Garibaldi وطن دوست دلیری که در سال 1860 با جمعی قلیل ناحیهء ناپل را از چنگ بیگانگان‏ به درآورد.